قرض الحسنه رستگاری بزرگ

سیدجعفر شاه نوری



زندگی اجتماعی اقتضائاتی دارد که از جمله آن‌ها همکاری و پاسخ به نیازهای هم نوع است. انسان به گونه‌ای آفریده شده که دست کم در حوزه‌ی عاطفه و احساسات، نیازمند محبت و مودت دیگری است. این وابستگی انسان به هم نوع موجب می‌شود تا ارتباطات انسانی معنا و مفهومی دیگر بگیرد. از جمله نیازهای انسانی، نیازهای مادی است؛ ولی از آن جایی که شرایط زیستی برای همگان یکسان نیست، برخی نیاز بیش‌تری به کمک و یاری دیگران دارند. پاسخ‌گویی به این نیاز مادی می‌تواند به اشکال چندی صورت گیرد. برخی در برابر کمکی که می‌کنند، چیزی نمی‌خواهند که این را ایثار، احسان و بخشش می‌گویند؛ برخی

دیگر، کمک متقابلی در همان حد و اندازه می‌خواهند؛ و اما برخی دیگر، فراتر از کمکی که کرده‌اند متوقع هستند و بر این کار الزام می‌کنند. آنچه در فرهنگ اسلامی از آن به نزول‌خواری و رباخواری یاد می‌شود، همان رفتار گروه سوم است که خداوند از آن نهی کرده و به عنوان محاربه و جنگ با خدا از آن یاد نموده است. رفتار گروه دوم به عنوان قرض الحسنه یا وام نیکو می‌باشد که همانند رفتار گروه اول از سوی خداوند ستوده شده است.

قرض‌الحسنه، همیاری عمومی در اجرای عدالت:

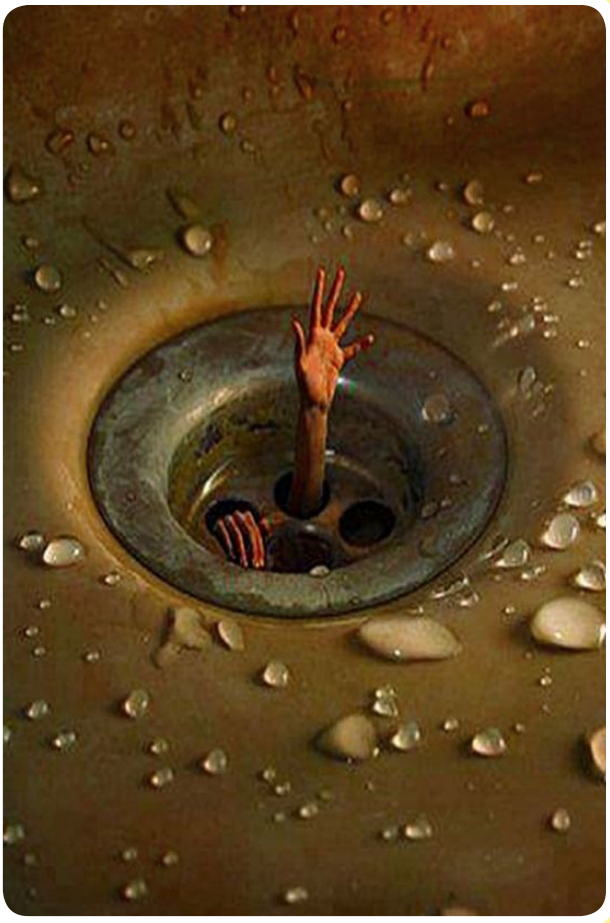
یکی از مفاهیم اصلی و کلیدی در فرهنگ اسلامی، عدالت است. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲۵ سوره حدید، دعوت به عدالت و اجرای آن از سوی توده‌های مردم به واسطه‌ی مدیریت قوانین وحیانی و عقلانی از سوی انسان‌های کامل را از وظایف همه پیامبران و یکی از مأموریت‌ها و اهداف بعثت دانسته است؛ زیرا دست‌یابی به جامعه‌ای برابر و فرصت‌های یکسان برای متأله و خدایی و ربانی شدن و رسیدن به قله خلافت الهی و مظهر ربوبی تنها در سایه‌ی عدالت امکان‌پذیر است.

خداوند خواهان عدالت در همه ابعاد و اشکال مختلف است و عدالت فراگیر و همگانی را خواهان است. از این‌رو اصل عدالت، اصل حاکم بر تمامی قوانین و احکام اسلامی است، به گونه‌ای که اگر حکمی برخلاف عدالت باشد، از گردونه خارج می‌شود و اجرای آن متوقف می‌گردد؛ زیرا یا از ریشه باطل بوده یا اینکه شرایط اجرایی خود را از دست داده است؛ چراکه هیچ حکمی نمی‌تواند بر اصل عدالت حاکم شود و آن را مردود یا تعطیل نماید. از جمله روش‌هایی که از سوی خداوند برای تحقق عدالت همه سویه مورد توجه و تأکید قرار گرفته، وام و قرض نیک به جای وام مضاعف و رباخواری است که وام قبیح و زشت بلکه گناه بلکه جنگ با خداوند دانسته شده است. هدف از وام بی‌بهره یا همان قرض‌الحسنه، ایجاد شرایط عادلانه در توزیع ثروت و سرمایه و بهره‌مندی همگان از سرمایه‌های دنیوی برای بهبود شرایط زیستی و فراهم آوری بستر لازم و مناسب برای خدایی و ربانی گشتن است.

قرض‌الحسنه و وام بی‌بهره به سبب این که از سوی همه افراد جامعه در همه سطوح مالی و ثروت انجام می‌گیرد، نوعی همیاری عمومی در اجرای عدالت مادی و اقتصادی است؛ زیرا هر کسی با توجه به میزان ثروت و قدرت اقتصادی خود، به دیگری کمک می‌کند تا وضعیت زندگی دیگر را همانند زندگی خویش را بهبود بخشد و نیازهای مادی دیگران را نیز برآورده سازد. از این‌رو از سوی خداوند این عمل بسیار ستوده و تشویق شده و حتی مهم‌تر و باارزش‌تر از احسان

و بخشش دانسته شده است؛ زیرا در بخشش و احسان، شخص مبلغی را در اختیار می‌گیرد و آن را مصرف می‌کند؛ ولی در وام نیک و بی‌بهره، شخص گیرنده خود را موظف به پرداخت اصل وام می‌داند، از این رو، وام‌گیرنده آن را سرمایه خویش قرار می‌دهد تا افزون بر برآوردن نیازهایش، امکان پرداخت اصل وام را بیابد.

به سخن دیگر، وام بی‌بهره و قرض‌الحسنه به افراد کم‌درآمد و نیازمند کمک می‌کند تا در حوزه تولید دست به تلاش زنند و در آبادانی زمین نقش ایفا نمایند. لذا همه افراد جامعه دست در دست هم به ساخت تمدنی و آبادانی جامعه کمک می‌کنند.



خداوند، سپاسگزار قرض نیکودهنده:

وام ربوی، وامی‌است که وام‌دهنده با پول و ثروت خویش، کار می‌کند. این‌گونه وام‌ها به سبب اینکه در چرخه تولید اختلال ایجاد می‌کند، از نظر اسلامی‌مردود شمرده شده و برخلاف حکم خردمندان و عقلاء بوده و شریعت اسلامی‌آن را تخطئه کرده است.

اصولاً اقتصاد سالم، اقتصاد تولید و گردش سالم ثروت در میان همه اقشار مردم ا ست ؛ در حالی که وام ربوی اجازه نمی‌دهد تا این جریان به شکل ناسالم خود ادامه یابد. در وام ربوی، نزول‌خوار و ربا دهنده بدون تلاش، به انباشت ثروت مردم مبادرت می‌ورزد و پول را که ابزار مبادلات اقتصادی است به عنوان کالا خرید و فروش می‌کند. در حالی که نمی‌توان ابزار مبادله را به عنوان خود کالا قرار داد. از آنجایی که نزول‌خوار در وام ربوی در اندیشه انباشت مضاعف ثروت و سرمایه خویش است، خداوند وام بی‌بهره را مایه برکت دانسته و وعده‌ی پاداش

مضاعف را به وام‌دهنده می‌دهد. به سخن دیگر، از نظر خداوند، تضاعف سرمایه و ثروت از طریق نزول خواری به دست نمی‌آید، بلکه از طریق وام بی‌بهره تحقق می‌یابد؛ زیرا خداوند رب العالمین است و ربوبیت او موجب می‌شود که افزایش واقعی ثروت و سرمایه در وام بی‌بهره باشد.

وام بی‌بهره، به سبب اینکه فرصت‌های برابر برای همگان فراهم می‌آورد و محبت و مودت را در میان افراد جامعه می‌افزاید و همکاری را به همدلی تبدیل می‌کند، از سوی خداوند امری محبوب و پسندیده دانسته شده و وعده پاداش مضاعف به وام‌دهنده داده شده است. (بقره، آیه ۲۴۵)

خداوند وام بی‌بهره را پیش از گرفتن وام‌گیرنده در دست می‌گیرد و موجبات برکت و بهره‌مندی وام‌دهنده از وام می‌شود؛ زیرا این وام موجبات شکر و سپاس خداوندی را فراهم می‌آورد. (تغابن، آیه۱۷)

به سخن دیگر، در وام بی‌بهره، خداوند است که از بنده وام‌دهنده خویش تشکر و سپاس به عمل می‌آورد. این در حالی است که همه وجود و امکانات هر آفریده‌ای از آن خداوند است که مالک حقیقی جان و مال بنده، اوست، با این همه، این خداوند است که از بنده خویش تشکر می‌کند و به سپاس از وی می‌پردازد که چنین اقدام خیرخواهانه و عادلانه‌ای انجام داده و در مقام مجرای فیض الهی نشسته است.

از نظر قرآن، پرداخت وام بی‌بهره همانند هر عبادت محض دیگری چون نماز و زکات است؛ از این رو وام بی‌بهره و قرض‌الحسنه را در کنار اقامه نماز و پرداخت زکات قرار داده و به انجام این سه‌گانه عبادی فرمان می‌دهد. (مزمل، آیه ۲۰)

وام بی‌بهره خود دارای حسن فعلی است و عملی صالح و نیک شمرده می‌شود، اگر این حسن فعلی با حسن فاعلی و نیت اخلاص و قرض به خداوند همراه شود، از مطلوبیت بالایی برخوردار خواهد شد و اثرات شگرفی در زندگی دنیوی و اخروی و نیز مادی و معنوی شخص و جامعه به جا خواهد گذاشت.

همین اخلاص و قرض دهی به خداوند و حسن فاعلی، موجب می‌شود تا وام‌دهنده نسبت به وام‌گیرنده سخت‌گیر نباشد و در صورت ناتوانی در پرداخت در موعد مقرر به او مهلت می‌دهد یا در صورت عدم تمکن مالی از پرداخت، نسبت به گرفتن آن خودداری می‌کند و وام را بر او می‌بخشد. (بقره آیه ۲۸۰)

از نظر خداوند، مهلت دادن به وام‌گیرنده و بدهکار تنگدست تا هنگام توانایی و قدرت پرداخت بدهی خویش، امری واجب و عفو و بخشش نسبت به ناتوان امری مستحب است.

اگر کسی با چنین حسن فاعلی و اخلاص با وام بهره برخورد کند، خداوند نه تنها گناهان وی را می‌بخشد (حدید، آیه ۱۱ و تغابن، ایه ۱۷) و سیئات و زشتی‌های اعمالش را می‌پوشاند (مائده،

آیه ۲۱) بلکه به او پاداش عظیم و کریمانه‌ای می‌بخشد(حدید،آیات ۱۱ و ۱۸)و چند برابر از خزانه غیب خود به او عطا می‌کند و به شکل نامحدود و غیرقال شمارش پاداش برای او در نظر می‌گیرد (بقره، آیه ۲۴۵) و در قیامت از فوز عظیم و رستگاری بزرگ و کامیابی در بهشت جاودان بهره‌مند می‌سازد (مائده آیه ۱۲ و حدید، آیات ۱۱ و ۲۱)
از این رو خداوند از بندگان خویش می‌خواهد تا دیگران را در اشکار و نهان به وام بی‌بهره دادن تشویق کنند و در گفت‌وگوهای محرمانه خود به این کار بسیار شایسته و پسندیده دعوت نمایند. (نساء، آیه ۱۱۴)

وام بی‌بهره از منظر روایات:

رسول خدا ﷺ درباره اهمیت وارزش وام بی‌بهره و قرض نیکو می‌فرماید: کسی که به برادر مسلمانش قرض بدهد، به اندازه هر درهمی که به او می‌دهد به بزرگی کوه احد «از کوههای رضوی و طور سینا»، برای او پاداشهایی هست و اگر در مورد گرفتن طلب خود با آن مؤمن، مدارا و رفاقت کند، همانند برق خیره‌کننده و درخشان، بدون حساب از روی پل صراط بگذرد.

امام صادق علیه‌السلام نیز در این‌باره فرموده است: هر مسلمانی که برای رضای خدا به مسلمانی قرض‌الحسنه بدهد، حتما خداوند پاداش آن را مانند پاداش صدقه دادن حساب می‌کند، تا هنگامی‌که آن قرض به او باز گردد.

پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی دیگر فرمود: کسی که به مؤمنی تا مدتی که او توان ادای آن را داشته باشد، قرض بدهد، مال او به عنوان زکات است (و ثواب زکات را دارد) و قرض‌دهنده تا هنگام ادای قرض، مشمول سلام‌های فرشتگان است.

در حدیث است که هرگاه جنازه‌ای را می‌آورند که رسول خدا ﷺ بر او نماز گزارد، حضرت از هیچ یک از اعمال او نمی‌پرسیدند، جز آنکه از بدهکاری و حق‌الناس، اگر می‌گفتند: این شخص مدیون است، حضرت بر او نماز نمی‌کرد و هرگاه مدیون نبود بر او نماز می‌گزارد. روزی جنازه‌ای آورند، هنگامی‌که حضرت مهیای تکبیر شد، پرسید: آیا این شخص به کسی بدهکار نیست؟ گفتند: دو دینار بدهکاری دارد. حضرت عقب رفته و نماز نخواند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام عرض کرد: یا رسول الله! این دو دینار بر عهده من و ضامنم که آن را به صاحبش بپردازم. رسول خدا بر آن جنازه نماز کرد.

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس قدرت و توانایی مالی داشته باشد و برادر مسلمان او نیازمند کمک وی باشد اما برای وام دادن به او اقدام نکند، بوی بهشت برایش حرام خواهد شد.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه‌السلام از رسول امین روایت کرده است که فرمود: بسی دوست‌تر دارم، هزار درهم را دوباره قرض بدهم تا یک‌بار آن را در راه خدا صدقه بدهم.